

خورشیدِ هدایت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خورشید هدایت

نویسنده:

حسین فریدونی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|---|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | خورشید هدایت: مروری بر زندگانی امام رضا علیه السلام |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | اشاره |
| ۹ | سخن ناشر |
| ۱۱ | ۱ _ م_ی_لاد |
| ۱۲ | ۲ _ رض_ا |
| ۱۳ | ۳ _ پِن_اِه_بِی_پِن_اِه_اِن |
| ۱۶ | ۴ _ عال_م_آل_مَحَمَد_صَلی_الله_علیه_و_آله_وسلم |
| ۱۸ | ۵ _ ام_ام_ت |
| ۲۷ | ۶ _ نم_از_ب_اران |
| ۳۵ | ۷ _ نِی_رَنگ_اه_ل_حس_د |
| ۴۵ | ۸ _ س_خِن_ب_گو |
| ۴۹ | درباره مرکز |

خورشید هدایت: مروری بر زندگانی امام رضا علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: فریدونی، حسین، - ۱۳۲۱

عنوان و نام پدیدآور: خورشید هدایت: مروری بر زندگانی امام رضا علیه السلام / حسین فریدونی

مشخصات نشر: تهران: نبا، ۱۳۸۱.

مشخصات ظاهری: ص ۴۸

شابک: ۹۶۴-۶۶۴۳-۵۸-۲۵۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۶۶۴۳-۵۸-۲۵۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرستنویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: مروری بر زندگانی امام رضا علیه السلام

موضوع: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ق ۲۰۳ - ۱۵۳

رده بندی کنگره: BP۴۷/ف ۴ خ ۹

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۷

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۱-۳۸۵۴۷

ص: ۱

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خ_ورشی_د_ه_دای_ت

« مروری بر زندگانی امام رضا علیه السلام »

دکت_ر_حسی_ن_فریدون_ی

« مروری بر زندگانی امام رضا علیه السلام »

مؤلف: دکتر حسین فریدونی / ویرایش: عبدالحسین طالعی

حروفچینی: انتشارات نبأ / لیتوگرافی: نبأاسکرین

چاپ و صحافی: رامین / چاپ اول: ۱۳۸۱ / کد: ۱۴۶ / ۷۶ / د

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه / قیمت: ۲۵۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نبأ / تهران، کارگر شمالی، کوچه هما، پلاک ۶

تلفن: ۸ - ۶۴۲۱۱۰۷ فاکس: ۶۹۴۴۶۱۵

شابک: × _ ۸۵ _ ۶۶۴۳ _ ۹۶۴ _ ۸۵ - ۶۶۴۳ - ۹۶۴ - ISBN : ×

سخن ناشر

نیاز ما به شناخت امامان معصوم علیهم السلام از نیاز مسافرِ کویری عطش زده به آب بیشتر است .

این بزرگواران ، هدایتگران امت هستند ، و ما امت جویای هدایت . نخستین وظیفه جویندگان هدایت ، این است که حجت های خدا را بشناسند ، و شئون آنها را بدانند ، تا در غوغای مکاتب ، سراب را آب نپندارند ، و به ادعاهای دل نبنند .

این ضرورت ، برای ما که توفیق زیارت حضرتش را ، بیش از دیگر محبان آن گرامی داریم ، اساسی تر است ، چرا که معرفت ، روح زیارت است . و هر چه معرفت بیشتر باشد ، بهره انسان از زیارت افزون تر می شود .

نویسنده دانشمند ، در کتاب حاضر بر آن است که بر گهایی چند ، از زندگانی هشتمین حجت حق ، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام را به جوانان پیشکش کند .

پیشاپیش اذعان داریم که نه این بر گهای محدود ، که صدها دفتر دیگر نیز ، حرفی از کتاب گسترده آن

امام همام نیست . اما اگر بتواند دلی را به آن آستان آسمانی ببرد ، و پیمانِ انسانی دلسوخته را با آن امام رئوف تجدید کند ، توفیقی بزرگ یافته است .

از خدای بزرگ می خواهیم که نویسنده و ویراستار و خوانندگان را مشمول دعای خیر وصیِّ بحقِّ امام رضا علیه السلام یعنی حضرت بقیه الله ارواحنا فداه قرار دهد.

آمین یا ربِّ العالمین

۱- می-لاد

نجمه خاتون می فرماید: وقتی (به فرزندم امام رضا علیه السلام) حامله شدم، هرگز سنگینی این حمل را حس نکردم. و به هنگام استراحت، صدای ذکر خدا را به تسیح و تهلیل و تمجید (۱) از اندرونم می شنیدم، که مرا به شگفتی می افکند. وقتی بیدار می شدم، چیزی نمی شنیدم. هنگامی که حملم را بر زمین نهادم، دیدم که نوزاد، دست خود را بر روی زمین نهاد، سر را به سوی آسمان برداشت، و لبانش را حرکت داد، گویی که صحبت می کند.

در این هنگام، پدرش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام آمد، و به من فرمود: «ای نجمه! کرامت پروردگاری بر تو گوارا باد». آنگاه نوزاد را در جامه سفیدی پوشاند. در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه گفت. و آب فرات خواست. و به آن آب، کام او را برداشت. سپس نوزاد را به من برگرداند و فرمود:

«او را بگیر، که حجت خدا در روی زمین خواهد بود» (۲).

۱- تسیح: سبحان الله. تهلیل: لا اله الا الله. تمجید: العظمة لله.

۲- کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۲۰.

امام رضا علیه السلام بنا بر قول معروف، در یازدهم ذی‌قعدة سال ۱۴۸ هجری قمری در شهر مقدس مدینه، در خانه نورانی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام متولد شد. نام گرامی مادر حضرتش را امّ ولد، نجمه، نوییه و تُکْتَم نیز گفته اند.

نام حضرتش از سوی پروردگار متعال توسط پدر بزرگوارشان، «علی» نهاده شد، ایشان پس از امیرالمؤمنین و امام سجاده، سومین امامی بود که خدایش «علی» نام نهاد. صلوات الله علیهم اجمعین.

۲- رض-۱

بزنطی گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: برخی از مخالفین شما تصور می‌کنند که ملقب شدن پدرتان به رضا، از سوی مأمون بوده است، به آن جهت که پدرتان به ولایتعهدی مأمون راضی گردید.

حضرت جواد علیه السلام فرمودند:

به خدا سوگند، دروغ گفتند و مرتکب گناهی بزرگ شدند کسانی که درباره پدرم چنین مطلبی گفته اند. بلکه علت حقیقی مطلب، این است که خدای تعالی او را رضا نامید. از آن رو که مخالفان وی نیز همانند موافقانش از او راضی بودند. (۱)

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق ج ۱، ص ۱۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۹، ص ۴.

بنی عباس، قیام خود علیه بنی امیه را با شعار «الرضا من آل محمد» آغاز کردند. و بسیاری از افراد ساده لوح را به همین شعار فریب دادند. آنها با تفسیر غلط از «آل محمد» _ که ویژه خودشان بود _ ادعا می کردند که رضای اهل بیت را می جویند، در برابر بنی امیه که دشمن اهل بیت هستند. خلفای بنی عباس با همین عوام فریبی، وقتی که خبردار شدند لقب امام هشتم، از جانب خدای متعال، «رضا» تعیین شده، آن حضرت را به ولایتعهدی فرا خواندند. و چنان وانمود کردند که این لقب را، بنی عباس به حضرتش داده است.

می بینیم که در این حدیث، امام جواد علیه السلام به این دروغ بنی عباس پاسخ می دهد. و بر این مطلب تأکید می کند که نام و لقب امام رضا _ همچون دیگر امامان معصوم علیهم السلام _ به تعیین الهی است، نه به دست اشخاص، آن هم اشخاص پلیدی همچون خلفای بنی عباس.

۳_ پِن_اِه_ب_ی_پِن_اِه_اِن

یک نفر از خادمان آستان قدس رضوی گوید :

در دارالحفاظ خوابیده بودم. در خواب دیدم که درب حرم مطهر باز شد، و حضرت رضا علیه السلام بیرون آمدند، و به من فرمودند: برخیز و بگو چراغ های گلدسته را روشن نمایند، (۱) چون عده ای زائر از بحرین آمده اند و در طرق _ نزدیک مشهد _ راه را گم کرده اند.

آنها هم اکنون سرگردانند، و برف هم می بارد. برو به میرزا تقی متولی بگو که مشعل و چراغ روشن کند، و همراه با تعدادی از خدام بروند و آنها را بیاورند.

از خواب بیدار شدم. نزد متولی رفتم. او را از خواب بیدار کردم، و خوابم را برای وی نقل نمودم.

او نیز برخاست و چندتن از خدام را نیز با مشعل بردیم، و به جانب طرق روانه شدیم. وقتی نزدیک آنجا رسیدیم، زای_ران بحرینی را س_رگردان و بی پناه یافتیم. ماچ_را را از آنها پرسیدیم. گفتند:

ما گرفت_ار ب_رف و طوفان شدی_م و راه را گ_م کردی_م، تا آنجا که آماده مرگ شده بودیم. دور هم جمع شدیم، و ش_روع ب_گری_ه وزاری کردی_م. در ای_ن میان، یک_ی از زای_ران که اهل عل_م و تق_وی ب_ود، ب_رای چن_د لحظ_ه، خ_واب چشمانش را در ربود.

۱- زمان وقوع این قضیه، حدود ۱۵۰ سال قبل است. وضع روشنایی در آن زمان مانند امروز نبوده است.

وقتی بیدار شد، اظهار داشت که الآن نجات می یابیم، زیرا که حضرت امام رضا علیه السلام به اینجا تشریف آورده و فرمود: برخیزید! من فرمان دادم که مشعل های گلدسته را روشن کنند، شما به سمت روشنایی حرکت کنید، که متولّی به استقبال شما خواهد آمد.

ما نیز به فرمان امام علیه السلام برخاستیم و به راه افتادیم، تا اینکه با شما برخورد کردیم.

متولّی با احترام تمام، زائران را به شهر آورد، و از آنها شخصا پذیرایی نمود. (۱)

* * *

« غَوْتُ اللَّهْفَانِ » از القاب حضرت رضا علیه السلام است، ب_ه معنی « فری_اد رسِ درمان_دگ_ان ». حضرت صادق علیه السلام درباره فرزندش حضرت کاظم علیه السلام چنین فرموده است:

« يُخْرِجُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْهُ غَوْتَ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَ غِيَاثَهَا وَ عِلْمَهَا وَ نَوْرَهَا وَ فَهْمَهَا وَ حِكْمَتَهَا »

خداوند تبارک و تعالی به فرزندم موسی، فرزندی عنایت خواهد فرمود، که پناه و دادرس این امت، و دانش و نور و فهم و حکمت ایشان خواهد بود. (۲)

۱- دارالسلام محدث نوری(ره) به نقل کتاب پرتوی از زندگانی هشتمین امام علیه السلام ج ۱ ، ص ۶۶ .

۲- اصول کافی ج ۲ ، باب اشاره و نص بر حضرت ابوالحسن الرضا علیه السلام ، حدیث ۱۴ ، ص ۹۲ .

فریاد رسی های شگفت حضرت رضا صلوات الله علیه، در زمان حیات حضرتش و پس از آن، به گونه های مختلف، حیرت آور است. گاهی مشکل افراد را در زمان کوتاه و گاه در زمان دراز پس از توسل حل کرده اند. گاهی به دست خود، و گاه به دست دیگران، مشکل را از میان برداشته اند، به گونه ای که فرد صاحب مشکل را متوجه کرده اند که آن مطلب، به دست با کفایت حضرتش حل شده است.

باید دانست که ائمه معصومین علیهم السلام، بنده خدا هستند. و حلّ مشکل به دست آن بزرگواران، مانند استجابت دعاها به دست خدای تعالی است. خدای متعال، گاهی نیاز کسی را سال ها بعد بر می آورد. و گاهی اساساً مصلحت کسی را در آن می داند که آن نیاز را بر نیاورد، چرا که انسان، گاهی از سر جهل و نادانی چیزی می خواهد که به صلاح او نیست.

بدیهی است که هر چه معرفت انسان نسبت به خدای تعالی و حجت های معصوم او علیهم السلام بیشتر باشد، تسلیم او در برابر آن بزرگواران بیشتر می شود. و توسل خود را در عین تسلیم ادامه می دهد.

۴_ عال_م آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلم

اسحق فرزند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نقل می کند که

آن حضرت به پسران خود فرمود: فرزندان من! برادر شما علی بن موسی عالم آل محمد است، معارف و معالم دین خود را از او پرسید، و بیانات او را نگاه دارید. من از پدرم جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که مکرر به من می فرمود: عالم آل محمد در صلب تو خواهد بود. (۱)

عالم آل محمد، یعنی دانشمند خاندان پیامبر، که در برخی از روایات، از حضرت رضا علیه السلام به این صفت تعبیر گردیده است. می دانیم که امامان، همگی وارث علوم پیامبر و عالمان دین مبین هستند. چرا در میان همه آن بزرگواران، حضرت رضا علیه السلام به این لقب ملقب شد؟ شاید از این جهت باشد که امام علیه السلام علوم اسلامی را منتشر فرمود. زیرا برای حضرتش فرصتی پیش آمد که توانست حقایق ناگفته ای بیان فرماید. و در باب ر اهل باطل با استدلال های کوبنده، راه روشن حق را به حق پژوهان نشان دهد. به همین سبب نیز در صلوات مع روف خواجه نصیر طوسی که پی رامون حضرت حجه بن الحسن ارواحنا فداه و نشانه های آن بزرگوار از اجداد کرامش نقل شده، نشان ه ای که از حضرت رضا علیه السلام در حضرت بقیه الله بیان شده، «الحجج الرضویه» می باشد.

آن امام بزرگوار، بزرگترین خدمت علمی را به

بشریت نمود. و در محیط نسبتاً مساعد و مناسب، جزئیات علوم دین و دنیا را برای مردم جهان تشریح و تعلیم فرمود. حقایق این آئین در زمان ائمه پیشین علیهم السلام به علّت نامساعد بودن اوضاع و احوال، کاملاً بیان نشده بود. اما امام رضا علیه السلام به تبیین آن پرداخت. و جامعیت مکتب حقّ تشیع را در برابر مدّعیان حقّ گوئی، روشن تر از آفتاب به همگان نشان داد.

۵_ام_ام_ت

محمّد بن فضل هاشمی گوید: پس از شهادت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام از بغداد به مدینه رفتم.

خدمت حضرت رضا علیه السلام شرفیاب شدم. به عنوان ولیّ امر مسلمانان، بر حضرتش سلام دادم. آنچه در اختیار داشتم، تحویل آن امام دادم. عرض کردم: من عازم بصره ام، می دانم که مردم این شهر در مورد مسأله امامت گرفتار اختلافات فراوانی هستند، و از من درباره دلایل امامت شما خواهند پرسید. آیا چیزی را در اختیار من قرار می دهید که بتوانم در این زمینه ایشان را مجاب کنم؟

حضرت فرمودند:

نسبت به مسأله امامت من نگران مباش. و از طرف من به دوستانم بگو که من بزودی نزد آنان خواهم آمد.

آنگاه حضرتش یادگارهای رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را به من

عرض کردم: چه زمان به بصره تشریف می آورید؟

فرمود: سه روز پس از آنکه به بصره برسی.

وقتی به بصره رفتیم، مردم درباره امام علیه السلام از من پرسیدند. گفتم که من یک روز قبل از وفات حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نزد حضرتش رفتم. فرمود: من بزودی از دنیا خواهم رفت. هنگامی که مرا در قبرم دفن کردی، لحظه ای درنگ کن و با این امانت ها به مدینه، نزد فرزندم علی بن موسی علیه السلام برو، زیرا که او، وصی و امام پس از من است.

من نیز آنچه را که مولایم حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام فرموده بود، انجام دادم. شما نیز بدانید که حضرت علی بن موسی علیهما السلام سه روز دیگر اینجا خواهد آمد. هر چه می خواهید، از حضرتش پرسید.

در این هنگام، عمرو بن هذاب (۱) آغاز سخن نمود. و گفت: حسن بن محمد، از جمله فضیلتی خاندان پیامبر است که افزون بر مراتب بالای ورع و زهد و علم، از سن بالا- نیز برخوردار است. و از این نظر هم بر علی بن موسی که جوانی بیش نیست، ترجیح دارد.

ای بسا که علی بن موسی در برابر پرسش های دشوار، درماند و از عهده پاسخ دادن بر نیاید.

حسن بن محمد که در میان جمعیت حاضر بود، گفت: «ای

۱- عمرو بن هذاب، شخصی ناصبی و دشمن اهل بیت علیهم السلام بود.

عمرو! چنین مگو. علی بن موسی فضیلتی بر دیگران دارد که وصف شده است. اینک این محمد بن فضل است که می گوید :
علی بن موسی سه روز دیگر اینجا خواهد بود. همین آمدن وی پس از سه روز، بهترین راهنما برای تو خواهد بود.»

پس از این سخن، مردم پراکنده شدند.

سه روز پس از ورود من به بصره، حضرت رضا علیه السلام به بصره تشریف آورد، به منزل حسن بن محمد وارد شد، و فرمود :

« ای حسن بن محمد! تمام کسانی را که در آن روز نزد محمد بن فضل آمده بودند _ از شیعه و غیر شیعه، و نیز جاثلیق نصرانی (۱) و رأس الجالوت (۲) یهود را _ دعوت کن و به همه بگو که آنچه می خواهند پرسند.»

حسن بن محمد، تمام کسانی را که امام فرموده بودند، به اضافه زیدیه (۳) و معتزله (۴) را دعوت کرد، در حالی که آنها نمی دانستند چرا حسن آنان را فراخوانده است.

وقتی عده کامل شد، برای حضرت رضا علیه السلام بالشی نهادند. حضرت بر روی آن نشست. سپس فرمود :

سلام علیکم و رحمه الله و برکاته. آیا می دانید چرا ابتدا به سلام کردم ؟

۱- جاثلیق _ تعبیری از کاتولیک _ در آن زمان به بزرگ مسیحیان اطلاق می شد.

۲- رأس الجالوت، بزرگ یهودیان است.

۳- زیدیه گروهی هستند که پس از امامت امام سجاد علیه السلام به امامت فرزند ایشان زید عقیده دارند.

۴- معتزله، گروهی از مسلمانان اند که عقاید خاصی درباره توحید دارند.

پاسخ دادند : خیر

فرمود :

برای آنکه به شما آرامش قلب داده باشم.

حاضران پرسیدند : خدا شما را مورد رحمت خویش قرار دهد. شما کیستید ؟

فرمود :

من علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب و فرزند رسول خدایم. امروز نماز صبح را در مدینه و در مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم همراه با والی مدینه گزاردم.

او پس از نماز ، نامه دوستش را برای من خواند . و در بسیاری از کارهایش با من مشورت کرد . من نیز آنچه را که مصلحت وی بود ، به وی راهنمایی کردم . و با او قرار گذاشتم که امشب نزد من آید ، تا آنکه نزد من پاسخ نامه دوستش را بنگارد . و من باید به این وعده وفا کنم ، و عصر در مدینه باشم . و لاحول و لاقوه الا بالله .

جمعیت گفتند : ای فرزند پیامبر! با آنچه از خارق عادت بیان فرمودید ، جایی برای پرسش درباره دلیل امامت شما باقی نمی ماند ، و ما شما را فردی راست گفتار می شناسیم .

پس از بیان این جملات ، برخاستند که ب_روند . ولی حضرت رضا علیه السلام خطاب به ایشان فرمودند :

پراکنده نشوید . من شما را جمع کرده ام تا درباره آنچه

از آثار نبوت و علائم امامت می خواهید، از من پرسید. و بدانید که آنها را جز در نزد ما اهل بیت نخواهید یافت. پس پرسش های خود را مطرح کنید.

عمرو بن هذاب، نخستین کسی بود که گفت: محمد بن فضل هاشمی اموری را از شما نقل می کند که دل، آن را نمی پذیرد. حضرت فرمودند: چه مطلبی؟

عمرو گفت: او می گوید که شما به آنچه خدا نازل فرموده است آگاهی دارید. علاوه بر آن، هر نوع زبان و لغت را می دانید.

حضرت فرمودند: محمد بن فضل راست گفته، چرا که این مطلب را خودم به او گفته ام. حال هر چه خواهید پرسید.

عمرو گفت: پس قبل از هر چیز شما را به همین مطلب امتحان کنیم. در میان افرادی که اینجا جمع شده اند، هندی و رومی و فارس و ترک وجود دارند.

امام علیه السلام فرمودند:

به هر زبانی که می خواهند سخن گویند. و من نیز به خواست خدا، به همان زبان پاسخشان را خواهم داد.

پس از این بیان امام علیه السلام هر یک از آن افراد غیر عرب، به زبان خویش، از حضرتش سؤال کردند. امام نیز به همان زبان پاسخ ایشان را دادند. در این هنگام مردم متحیر گردیدند. و با اظهار شگفتی تمام آنها اعتراف کردند که امام علیه السلام به زبان آنها مسلط تر از خودشان است. آنگاه امام رضا علیه السلام به عمرو بن هذاب فرمودند:

اگر من به تو خبر دهم که تو در این ایام دستت را

آغشته به خون یکی از افراد خانواده ات خواهی کرد، آیا در آن صورت، مرا تصدیق می کنی؟

عمرو بن هذاب پاسخ داد: خیر، زیرا غیب را، کسی جز خدای تعالی نمی داند.

امام علیه السلام فرمودند:

آیا خدای تعالی نمی فرماید:

« دانای غیب خداست. و خدا کسی را بر غیب خویش آگاه نمی کند، مگر آن کس را که به عنوان پیامبر برگزیده باشد. » (۱)

پس بدان که آن پیامبر برگزیده، جدّ ما است. و ما علم غیب را از آن پیامبر به ارث برده ایم. یعنی همان پیامبری که خدای تعالی وی را بر آن مقدر از غیب خود که خواسته، دانا نموده است. پس ما نیز به آنچه که تاکنون بوده و تا قیامت خواهد بود، آگاهیم. و آنچه را که به تو خبر دادم، در مدت پنج روز واقع خواهد شد. و اگر آنچه گفتم، ظرف پنج روز آینده واقع نشد، آن وقت می توانی مراد روغگوی افترازننده بدانی. ولی اگر صحیح بود، باید بدانی که تو، نسبت به خدا و پیامبرش مرتدّ گردیده ای. و اما نشانه ای دیگر برایت بیان می کنم، و آن اینکه بزودی چشمت را عارضه ای خواهد گرفت. و به گونه ای خواه شد که قادر به دیدن دشت و کوه

نخواهی شد. و این عارضه تا چند روز دیگر رخ می دهد. و نشانه دیگر این که تو سوگند دروغی خواهی خورد. و به این سبب، به بیماری برص (پسی) گرفتار خواهی شد.

محمد بن فضل گوید: سوگند به خدا که آنچه را که حضرت فرموده بود، به عمرو بن هذاب رسید. به وی گفتند: آیا رضا راست گفت یا دروغ؟ او پاسخ داد: به خدا سوگند، من در همان وقت هم می دانستم که او هر چه به من می گوید، راست است. ولی می خواستم با او لج کنم. (۱)

برای آنها که منصب والای امامت را به تمام ابعاد آن نشناخته اند، پذیرش بعضی از مطالب در مورد ائمه اطهار علیهم السلام عجیب می نماید. چنانکه در این حـ دیث مـی بینیم که بـرخـی از مردم، علم غیب داشتن امام رضا علیه السلام را قبول نمی کردند. ولی اگر بدانیم که امام معصوم علیه السلام، حجت خدا روی زمین ـ بلکه حجت خدا بر تمام آفریدگان او ـ است، به راحتی مـی توان پذیرفت که خداوند متعال، تمام علوم و قدرت هایی را که مورد نیاز امام علیه السلام است، به ایشان عطا فرماید، بدون اینکه علـم و قدرت بینهایت الهی خدشه دار شود،

۱- خرایج قطب راوندی صفحه ۲۰۴-۲۰۶ به نقل بحار ج ۴۹ ص ۷۵-۷۳. حدیث مذکور بسیار طولانی است و مناظرات امام علیه السلام در مجلس بصره با بزرگان ادیان و مذاهب در آن آمده، ولی ما به همین مقدار اکتفا کردیم.

یا اینکه ام‌ام‌علیه‌السلام را _ العی_ اذ ب_ الله _ رقیب خ_ دای تعالی بدانیم.

اگر روح معنای عبودیت را بفهمیم ، و بدانیم که امام معصوم علیه‌السلام عبد کامل خدا است ، آنگاه ب_ه آسان_ی م_ی پذیریم که بنده ب_رگزیده او _ مانند حضرت عیسی علیه‌السلام _ به اذن خداوند متعال ، حتی مردگان را زنده کند، و بفرماید :

« وَ أُحْيِي الْمَوْتِي بِإِذْنِ اللَّهِ » (۱)

و می پذیریم که بنده برگزیده او می تواند از غیب خبر دهد :

« وَ أَنْبِئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَ مَا تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ » (۲)

خدایِ که چنی_ن_عل_م و قدرت_ی ب_ه حضرت عیسی علیه‌السلام داده، می تواند بار دیگر به بنده برگزیده دیگر خود، حضرت رضا علیه‌السلام مرحمت کند . بلکه بالات_ر از ای_ن را _ ب_ه بی_ان صادق آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم _ می گوئیم. راوی از امام صادق علیه‌السلام می پرسد :

آیا امام معصوم، تمام آنچه بین مشرق و مغرب است، می بیند؟

امام علیه‌السلام در پاسخ می فرماید :

چگونه امام، حجّت خدا در سراسر عالم باشد، در

۱- سوره آل عمران، آیه ۴۹ .

۲- سوره آل عمران، آیه ۴۹ .

حالی که مخلوقات خدا را نبینند، و در میان آنان حکم نکند؟ و چگونه حجت باشد بر گروهی، که از او غایب باشند؟ نه بر آنها دسترسی داشته باشد، و نه آنان در دسترس او باشند؟ و چگونه از جانب خدا، امانت الهی را ادا کند، و شاهد بر آفریدگان باشد، در حالی که آنان را نبیند؟

و چگونه بر گروهی حجت باشد که آنان از او پنهان و پوشیده باشند؟ (۱)

این بیان امام صادق علیه السلام _ که گزیده ای از حدیث طولانی آن حضرت است _ بسیاری از پرسش ها را پاسخ می گوید.

امام رضا علیه السلام مدت ۳۵ سال از عمر پر برکت خود را در زمان پدر بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام گذراند. و مدت پذیرفتن مسئولیت سنگین امامت و تهیه و ایفای سهمی بسیار حساس و پر ثمر در این سِمَت، تقریباً ۲۰ سال به طول انجامید، که این مدت به سه بخش جداگانه تقسیم گردیده است.

(۱) ده سال اول امامت آن امام همام، در زمانِ زمامداری هارون سپری گردید.

(۲) پنج سال بعد، در دوره خلافت محمد امین فرزند

۱- کامل الزیارات ، ابن قولویه قمی ، چاپ صدوق ، ص ۳۴۳ ، باب ۱۰۸ حدیث ۲ .

بزرگتر هارون گذشت.

۳) پنج سال آخر امامت حضرتش، مصادف بود با خلافت مأمون و تسلط او بر قلمرو پهناور اسلامی. از سال های اخیر، امام، دو سال در شهر مرو، و نزدیک به هفت ماه در سرخس اقامت داشت. و ماههای پایان عمر را نیز در سناباد طوس (۱) به سر برد. و در همانجا نیز شهید گردید.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء پس از ۵۵ سال عمر با برکت و پر بار، سرانجام در آخر صفر سال ۲۰۳ هجری قمری شهید گردید. علت شهادت آن بزرگوار، زهری بود که مأمون با انگور و میوه های دیگر آمیخته بود و حضرتش را به خوردن آن مجبور ساخت. لعنت خدا بر مأمون باد.

آن بزرگوار را در همان قریه سناباد طوس به خاک سپردند، که قبر مقدّسش، امروز مطاف اهل دل و پناهگاه در ماندگان و بیچارگان است.

۶_ نم_ از ب_ اران

در زمان مأمون، به هنگام ولایتعهدی حضرت رضا علیه السلام، بارندگی انجام نگرفت و خشکسالی پیش آمد. برخی از

۱- سناباد، دهکده ای در محلّ فعلی مشهد بود، و از مناطق طوس به حساب می آمد.

اطرافیان مأمون و برخی از کسانِ ی که نسبت به حضرت رضا علیه السلام در دل کینه داشتند، می گفتند :

بینید از زمانی که علی بن موسی به این خطّه آمده و ولیعهد ما شده است، خدای تعالی باران را بر روی ما قطع کرده است. آنان این مطلب را به مأمون رساندند. مأمون به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد :

بارندگی قطع گردیده و ما دچار کمبود باران شده ایم. اگر شما از خدا بخواهید که بر ما باران فرو فرستد، بسیار به جا خواهد بود.

حضرت فرمودند : این کار را خواهم کرد.

مأمون پرسید : چه زمانی این کار را انجام خواهید داد؟ (این گفتگو روز جمعه اتفاق افتاد).

حضرت فرمودند :

روز دوشنبه. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم دیشب در عالم رؤیا به همراه امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف آوردند و فرمودند : فرزندم! منتظر روز دوشنبه باش. و در آن روز به صحرا برو، نماز استسقاء (۱) بخوان، که خدای تعالی به دعای تو باران خواهد فرستاد. و فضائل خود را به منکران بنمایان، که خدا می خواهد به آنان بنمایاند، تا آنکه درک آنان نسبت به فضل و منزلتی که نزد خدا داری، زیادتر گردد.

بامداد روز دوشنبه، آن حضرت به صحرا رفت. مردم نیز به

همراه آن حضرت بیرون رفته بودند و انتظار می کشیدند.

آن امام همام بالای منبر تشریف برد. و حمد و ثنای الهی را به جای آورد. سپس عرض کرد:

پروردگارا! تو حقّ ما اهل بیت را بزرگ داشته ای. و مردم نیز به فرمان تو، به ما متوسّل شده اند. و انتظار فضل و رحمت تو را می کشند، و احسان و نعمت تو را توقع دارند. پس ای پروردگار مهربان! بارانی سـودمند و همگانی و بدون زیان بر این مردم ببار. و به گونه ای باران را فـروفـرست که وقتی اینان به خانه هایشان رسیدند، بـاران شروع به باریدن کند.

راوی گـویـد: سـوگند بـه خـدای یکتا و بی نظیـر، که محمّد صلی الله علیه و آله وسلم را به حقّ به پیامبری برانگیخت، در این هنگام ابرها گرد آمد و به هم متصل گردید، و رعد و برق آغاز شد. مردم وقتی چنین دیدند، به حرکت در آمدند، تا به منازل خویش بروند و باران آنها را خیس نکند.

حضرت فرمودند:

ای مردم! این ابرها مأمور به باریدن در سرزمین شما نیستند. آنها مأموریت فلان منطقه را دارند.

با این بیان امام علیه السلام ابرها حرکت کردند، و به سمت دیگری رفتند. سپس ابر دیگری آمد.

رعد و برق آغاز شد. مردم حرکت کردند که به منزل خود بروند، امام همان جمله دفعه قبل را فرمودند.

بدین گونه ده ابر به هم پیوسته آمد و گذشت. و هر بار حضرت

همین جمله را می فرمودند، تا آنکه یازدهمین ابر در آسمان هویدا شد.

امام فرمودند :

ای مردم! این همان ابری است که خدا مأمور باریدن در سرزمین شما فرموده است. پس شکر خدای را به خاطر این نعمت به جای آورید، و به منازل خود بروید. و بدانید که این ابر، زمانی شروع به باریدن خواهد کرد که شما به منازل خود رفته باشید. و آن گاه خیر_ آن چنان که سزاوار کرم و جلال خدای تعالی است _ بر سرزمین تان نازل خواهد شد.

در این هنگام، امام علیه السلام از منبر به زیر آمد. مردم به منازل خود رفتند. تا زمانی که منازل خویش نرسیده بودند، از ابرها قطره ای باران نبارید. و پس از آن باران فراوانی باریدن گرفت، که تمام صحراها و حوض ها و برکه ها و دشت ها را پر کرد. مردم پس از دیدن این نعمت بزرگ خدا گفتند :

« کرامات خدا، بر فرزند رسول خدا گوارا باد ».

پس از این واقعه، امام رضا علیه السلام در حضور گروه فراوانی از مردم هشدارهایی به آنها دادند :

ای مردم ! در مورد نعمت هایی که خدا به شما داده ، تقوای الهی را پیشه کنید . این نعمت ها را با گناهانتان، از خود دور نسازید . بلکه با طاعت خود آنها را ت_داوم بخشید . و با شک_ر خود، این نعمت ها را ب_ر خود ادامه دهید . و ب_دانید ! که پس از ایمان به خدا ، و

اعتراف به حقوق اولیای خدا از خان_دان محمّد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم هیچ عملی نزد خدا در جهت شکر نعمت های او، محبوب تر از این نیست که برادران مؤمن خود را در امور دنیایشان که گذرگاه آنها به بهشت های خدایشان است، یاری کنید. هر که چنین کند، از افراد مخصوص نزد خدای تبارک و تعالی خواهد بود.

امام رضا علیه السلام در ادامه سخنان خود، به بیان روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم پرداخت. و فرمود :

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این مورد سخنی فرموده است که هر کس علاقه دارد به فضل خدای تعالی رغبت نشان دهد، سزاوار است در آن بیندیشد و به آن عمل کند. به حضرت پیامبر گفتند :

فلان شخص به دلیل فلان گناهان نابود شد! آن حضرت فرمود : خیر، آن شخص نجات یافت. و خدای تعالی عمل او را ختم نمی کند مگر به نیکی. و خداوند، به زودی بدی ها را از او محو می سازد، و بدی های او را به نیکی ها تبدیل می فرماید. چرا که او روزی از راهی می گذشت، که فردی مؤمن در راهش بود. از آن فرد مؤمن، کشف عورت شده بود، اما خودش به آن مطلب آگاهی نداشت. این شخص گناهکار، عورت او را پوشاند، بدون اینکه به او خبر دهد، مبادا شرمنده و خجلت زده شود. آن مؤمن،

وی را شناخت که در چنان حالتی به او کمک کرده است. به او گفت :

« خدا ثواب نیکوبه تو دهد، و جایگاه تو را گرامی گرداند . و در موقف حساب با تو مناقشه نکند .» خداوند، آن دعا را درباره او مستجاب فرمود. در نتیجه فرجام این بنده، ختم به خیر شد، به جهت دعای خیر آن مؤمن که مستجاب گردید . سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به گوش آن مرد گنهکار که کار خیری کرده بود، رسید .

در نتیجه وی توبه کرد و بازگشت ، و به طاعت خدای عزوجل روی آورد . پس از هفت روز ، گروهی به مدینه هجوم بردند . رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم گروهی را برای راندن مهاجمان اعزام فرمود ، که آن مرد یکی از آنان بود . و در آن واقعه به شهادت رسید. (۱)

* * *

ارج و مقام حجّت های معصوم الهی علیهم السلام نزد خدای عزوجل، قابل انکار از نظر دوست و دشمن نیست. خورشید، در اوج آسمان، چنان نور افشان است که نور آن را حتی شخص نابینا نیز نمی تواند انکار کند. ائمه اطهار علیهم السلام همانند خورشید در آسمان عبودیت، چنان درخششی داشتند که حتی دشمنانشان نیز به

آن گواهی دادند. شاعر می گوید :

وَمَنَاقِبَ شَهِدَ الْعَدُوُّ بِفَضْلِهَا وَالْفَضْلُ مَا شَهِدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ

(منقبت هایی که دشمنان نیز به برتری آنها گواهی دادند . و برتری ، آن است که دشمنان به آن گواهی دهند). اما درس مهم تری که از این حدیث می گیریم، همان نکته ارزشمندی است که در بررسی تاریخ پیامبران علیهم السلام نیز می بینیم. آن نکته والا و درس مهم، این است که حجت های الهی علیهم السلام برای نمایش قدرت الهی خود بر مردم نیامده اند. بلکه ابراز قدرت الهی را مقدمه ای برای هدایت انسان ها و تعلیم روش صحیح زندگی به آنها قرار دادند.

از بررسی این نکته در زندگی انبیای عظام علیهم السلام صرفنظر می کنیم. و در این گفتار مختصر، به هشدار مهم حضرت رضا علیه السلام نظری می افکنیم. حضرتش در این سخنان کوتاه و حیاتی، ادامه نعمت های الهی بر انسان ها را در گرو شکر آنها توسط مردم می داند.

بدیهی است که تمام نعمت هایی که در اختیار انسان ها است، از ناحیه خدای بزرگ و مهربان است.

وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ. (۱)

خداوند، تمام این نعمت ها را بدون پیشینه استحقاق و شایستگی به انسان ها می دهد، چنانکه در

دعای وارده از ائمه اطهار علیهم السلام می خوانیم :

يَا مُبْتَدِّئَا بِالنِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا (۱)

اما مردم با این نعمت ها چگونه برخورد می کنند؟ آنها را شکر می گزارند یا کفران می کنند؟

در اینجا، اختیار انسان ها در برابر او امر الهی پیش می آید، که آنها را اطاعت می کنند یا عصیان. وعده مهم و مؤکد خدای تعالی در مورد شکر و کفران نعمت ها، چنین است که می فرماید :

لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ (۲)

امام رضا علیه السلام در این بیان نورانی الهی خود، مراحل زیر را برای شکر نعمت بیان می فرماید :

۱_ ایمان به خدای سبحان

۲_ اعتراف به حقوق آل محمد علیهم السلام

۳_ کمک کردن به امور دنیایی مؤمنان

آنگاه بر امر اخیر تأکید می فرماید، که هر کس چنین کند، از بندگان خاصّ خدای تبارک و تعالی خواهد بود.

در نظر اهل معرفت ، ارزش این راهگشایی و بهای این درس زندگی ، کمتر از دعای مستجاب حضرتش برای نزول باران و رفع خشکسالی نیست. در ابتدای

۱- دلائل الامامه، طبری امامی، چاپ نجف ، ص ۳۰۵ ، ضمن حکایت تشرف ابن ابی البغل به خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۷.

این واقعه، حضرتش به اذن الهی، بارانِ ظاهری را بر زندگیِ خشکی زده ظاهری مردم جاری می‌سازد. و پس آن، در ضمن بیانات راهگشا، آبِ حیاتِ معنوی را در کویِ دل‌های خشک جریان می‌دهد.

اکنون ماییم و این درسِ بزرگ از سیره و سخنِ امامِ رئوف، حضرت رضا علیه السلام. آیا در جهت حلّ مشکلات مردم مؤمن _ آنچنانکه باید و شاید _ می‌کوشیم؟ و شکرِ نعمت‌های الهی را ادا می‌کنیم؟ یا اینکه با قصور در این کار، کفرانِ نعمت می‌کنیم؟ از یاد نبریم که کفرانِ نعمت، عذابِ سخت الهی را در پی دارد.

۷_ نی_ رنگ_ اه_ ل_ حس_ د

حضرت جواد علیه السلام می‌فرماید: با دعای امام رضا علیه السلام برکت آن سرزمین زیاد شد. مطلب در میان مردم شایع گردید. این قضیه، آتش کینه را، در دل افرادی که پیرامون مأمون بودند، شعله ور ساخت. به خصوص کسانی که انتظار داشتند مأمون آنان را ولیعهد خود نماید.

یکی از آنان به مأمون گفت: به خدا پناه می‌برم که نخستین کسی باشی که این شرافت عظیم را از خاندان فرزندان عباس به خاندان فرزندان علی منتقل کنی. در این صورت، برخود و خانواده ات جفا روا داشته‌ای، که این ساحر را ولیعهد خود برگزینی که پدران وی نیز ساحر بوده اند!! آنکه ولیعهدش نموده‌ای، شخصی بود گمنام، دون مرتبه، فراموش

شده، و از یاد رفته!! و تو با این کار، او را معروف و مشهور و بلند مرتبه ساخته ای. این مرد، با دعای باران که فوراً مستجاب شد، آوازه ای جهانگیر یافت. می ترسم که امر خلافت را از میان فرزندان عباس به فرزندان علی منتقل کند. بلکه می ترسم که با سحر خود (العیاذ باللّه) در جهت نابودی سلطنت تو اقدام کند، و روزی علیه تو کودتا کند. آیا کسی هست که این گونه بر خود و سلطنتش جنایت کند، مانند چنین جنایتی که مرتکب شده ای؟ مأمون پاسخ داد: این مرد، دور از ما، مردم را به خود دعوت می کرد. (۱) ما خواستیم که او را ولیعهد خود گردانیم تا مردم را به سوی ما فرا خواند، و با عنوان سلطنت و خلافت در دستگاه ما شناخته شود. و کسانی که شیفته او شده اند، معتقد شوند که او در مورد آنچه ادعا می کند، صاحب هیچ چیز نیست: نه کمی و نه زیادی. و بدانند که خلافت برای ما است نه برای او.

ما ترسیدیم که اگر او را به حال خودش رها کنیم، همه رشته هایی را که محکم می سازیم، پنبه شود. و کارهایی کند که

۱- تاریخ نشان می دهد که سیره اهل بیت علیهم السلام، مخفی کاری در قیام علیه حکومت های زمان نبوده است. آن بزرگواران، اگر قصد خروج علیه حکومت های ظالم و غاصب داشتند، علناً به مردم اعلام می کردند. و اگر چنین قصدی نداشتند، در پنهان نیز اقدامی نداشتند. امام رضا علیه السلام چنین قصدی در برابر بنی عباس نداشت. امّا، « کافر، همه را به کیش خود پندارد ». مأمون که اهل نیرنگ های ناجوانمردانه مخفیانه علیه برادر و دیگر بستگان خود _ فقط به نیت رسیدن به قدرت _ بود، چنین نسبت هایی زشت به امام معصوم و حجت خدا علیه السلام می داد. چنانکه در ادامه روایت می خوانید، مأمون نیرنگ هایی در برابر امام علیه السلام به کار برد، که خداوند، آن نیرنگ ها را به خودش باز گردانید. و مکروا و مکر اللّٰه واللّٰه خیر الماکرین

توانِ رویارویی با او نداشته باشیم. اکنون با او چنین رفتار کردیم که دیدید. و مرتکب خطاهایی شدیم که دیدید. و به او چنان شهرت دادیم، و خود را در آستانه هلاکت قرار دادیم، که دیدید.

پس سستی و سهل انگاری در کارش روا نیست. اما باید اندک اندک مقام او را پایین آوریم، تا اینکه مردم گمان برند او برای امر (خلافت یا ولایت عهد) شایستگی ندارد. آنگاه در فکرِ راهی باشیم که او را به طور کامل از سرِ راه برداریم.

آن شخص به مأمون گفت :

ای امیرالمؤمنین! به من اجازه بده تا من با او مجادله کنم، که خود و اصحابش را محکوم سازم، و قدر و ارزش او را پایین آورم. بدان که اگر هیبت تو در نظر من نبود، او را سرجایش می نشاندم، و کوتاهیِ او را، از کاری که بدان کار، معین ساخته ای، نشان دهم. مأمون گفت :

هیچ چیز، از آنچه تو گفتی، نزد من محبوب تر نیست. آن شخص گفت : پس بزرگانِ کشوری و لشکری و قاضیان و دانشمندان را جمع کن. و حضرت رضا علیه السلام را نیز در جایگاهی که برای وی تعیین کرده ای جای ده، تا نقص او را در حضور آن جماعت نشان دهم. آن مرد (۱) شروع به سخن نمود و گفت :

مردم درباره شما حکایات فراوانی ذکر می کنند. و در توصیف شما مبالغه می کنند، تا آنجا که اگر خبردار شوی، از آنان اعلام براءت می کنی. نخستین زیاده رویِ آنان در وصف

۱- آن مرد، حمیدبن مهران است، چنانکه از آخر حدیث برمی آید.

شما، این است که گویند :

شما برای ریزش بارانی که معمولاً در موقع خود می بارد، دعا کرده اید. آنها این مطلب را به عنوان معجزه ای برای شما تلقی کرده و گفته اند که شما در دنیا نظیر و مانندی ندارید. و حال آنکه این امیرالمؤمنین است (۱) _ که خدای ملکش را مستدام بدارد. _ که هیچکس در حدّ و اندازه او نیست، و به شما موقعیت ویژه داده است. آیا مأمون این حقّ را بر شما ندارد، که دروغگویان را که هم بر شما و هم بر او دروغ می بندند، تکذیب کنید؟ حضرت رضا علیه السلام فرمودند :

من هرگز مردم را از سخن گفتن درباره نعمت هایی که خدای تعالی به من عنایت فرموده است، باز نمی دارم در حالی که سرکشی و فساد نمی خواهم. و اما اینکه درباره مأمون گفتمی که مرا بزرگ داشته است، بدان که جایگاه من نسبت به او، همان منزلی است که یوسف صدیق در قبال پادشاه مصر پیدا کرد. و تو داستان آن دو را قطعاً می دانی.

در این هنگام، آن مرد عصبانی گردید و گستاخانه گفت : ای فرزند موسی! از حدّ و اندازه ات تجاوز کردی. و بارانی که خدای تعالی قرار بوده در زمان خودش فروفرستد، به خود نسبت دادی. گویی که آیتی همانند ابراهیم خلیل آورده ای! در

۱- مراد از امیرالمؤمنین، در اینجا مأمون است که گوینده، لقب را در مقام تملّق، نابجا به او نسبت داده است.

آن هنگام که سرهای پرندگان را به دست خویش گرفت، و اعضای آنها را که در سر کوه ها نهاده بود فراخواند، آنها نیز پیش آمدند و به سرِ مربوط به خود متصل گردیدند، و به اذن خدا پرواز کردند. اگر راست می گویی، این دو (۱) را زنده کن و بر من مسلط ساز، که در این صورت، آیت و معجزه ای از طرف شما تلقی خواهد گردید. امّا درباره باران، همچنان می گویم که طبق معمول و در زمان خود باریده است، و تو حقّ نداری بارش آن را به دعای خود نسبت دهی .

مرد در حالی که این سخنان را بر لب می گفت، به دو شیری که در پرده ای بالای سر مأمون نقاشی شده بودند، اشارت کرد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام خشمگین گردید. و به آن دو صورت شیر بانگ زد :

« این فاجر را بگیرید، بکشید و چیزی از او باقی نگذارید » .

در این وقت، دو صورت شیر نقاشی شده در پرده، از جا جهیدند و او را گرفتند و از هم دریدند. و همه بدن او را خوردند و خونس را هم لیسیدند، و همه حضار، حیران مشغول نظاره این منظره بودند. وقتی آن دو شیر از کار آن مرد فارغ شدند، نزد حضرت آمدند و عرضه کردند : ای ولی خدا در روی زمین! آیا اجازه می فرمایید که با این مرد _ یعنی مأمون _ نیز همان کاری کنیم که با رفیقش انجام دادیم؟ وقتی مأمون این مطلب را

۱- این دو، یعنی دو شیر کشیده شده در پرده .

شنید، از شدت ترس، از حال رفت. حضرت رضا علیه السلام فرمودند :

بر جای خود بایستید.

آن دو شیر نیز اطاعت کردند و بر جای ایستادند.

حضرت رضا علیه السلام فرمودند : روی صورت مأمون گلاب بپاشید، و او را به هوش آورید. او را به هوش آوردند. در این لحظه، مجدداً دو شیر پیش آمدند. و گفتند :

آیا اجازه می فـرماييد که او را نیـز به دوستش ملحق کنیـم؟ فرمود :

خیر، زیرا خدای تعالی را تدبیری است که خود آن را جاری خواهد ساخت. شما به همان محلّ اوّل خود باز گردید.

آن دو شیر به فرمان امام علیه السلام به محلّ خود باز گشتند، و به صورت دو شکل شیر در پرده، درآمدند.

مأمون گفت : سپاس خدایی را که شرّ حمیدبن مهران را _ یعنی همان کسی را که طمعه شیرها شده بود _ از ما برداشت. سپس به حضرت رضا علیه السلام عرض کرد :

ای فرزند پیامبر! این مقام، از آن رسول خدا جدّ شما، و پس از وی، از آن شماسست. اگر اذن بفرمایید، من خودم را از این مقام عزل کنم، و آن را به شما واگذارم.

حضرت فرمودند :

همان گونه که شاهد بودی، خدای تعالی اطاعت سایر مخلوقاتش را _ همانند دو شیری که دیدی _ نسبت به من واجب فرموده است. و اگر می خواستم که جای

تو باشم، به تو مهلت نمی دادم، و از تو درخواست مقام نمی کردم. و در این امر، فقط نادانان بنی آدم از اطاعت من خودداری می کنند، که خدای عزوجل، را درباره آنها تدبیری است. خدای تعالی به من امر فرموده که بر تو اعتراضی نداشته باشم. و با اینکه منزلت من در نزد او، همان است که اندکی از آن را تو شاهد بودی، ولی این فرمان خداست که من تحت فرمان تو باشم، همان گونه که به یوسف علیه السلام امر شده بود که تحت امر فرعون مصر باشد. (۱)

* * *

یکی از شؤون ولایت در جهان بینی شیعی، تصرف در امور است. اگر این تصرف در جهان هستی _ به اذن خدا _ صورت گیرد، ولایت در تکوین؛ و اگر در دین اجرا گردد، ولایت در تشریح نام دارد. این مقام _ یعنی هر دو گونه ولایت _ از آن ائمه هدی یعنی جانشینان منصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است. این بزرگواران، به اذن خدا، در عالی ترین سطح، قادر به اعمال هر دو نوع ولایت _ تکوین و تشریح _ می باشند.

این همان امتیازی است که نبی مکرم اسلام در غدیر خم برای امام امیرالمؤمنین علیه السلام با این عبارت از

۱- بحارالانوار ج ۴۹ ص ۱۸۰-۱۸۵ به نقل از کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۱۶۷-۱۷۲ .

سوی خدا بیان فرمودند :

من كنت مولاه فهذا علي مولاه

(هر که را من نسبت به وی ولایت دارم، این علی نیز دارای همان ولایت است)

ولایت تکوینی، به اعتبار قدرتی است که پروردگار سبحان در حجت و ولی خویش قرار می دهد که وی با اجازه پروردگار مهربان، در مواردی که مصححت دین خدا اقتضا کند، از آن قدرت موهوبی بهره می گیرد. این موارد، عمدتاً عبادت است از تأیید و تقویت دین خدا، اثبات پیشوائی حجت و ولی خدا، دستگیری از درماندگان و بی پناهان در جهت استحکام بخشیدن به اعتقادات آنان و... براساس ولایت تشریحی، پروردگار مهربان به حجت و ولی خویش علوم الهی می آموزد. و آن بزرگوار، از این امتیاز، گاهی در بحث ها و مناظرات بهره می برد. و دشمنان دین و آئین خدا را منکوب و مغلوب می فرماید. و گاه مشکلات و معضلات دینی معتقدان را حلّ و فصل می کند، و در هنگام در ماندگی های فکری و ذهنی به آنان یاری می رساند. ریشه این دو نوع ولایت در خود قرآن کریم موجود است. در اینجا به مناسبت بحث پیرامون ولایت تکوینی، به ذکر آیاتی از قرآن در این زمینه می پردازیم :

(۱) در مورد حضرت سلیمان علیه السلام چنین می خوانیم :

ما باد را در اختیار سلیمان قرار دادیم که به آرامی به

امر سلیمان حرکت کند . و به هر جا که خواهد ، او را ببرد . و شیاطین را مطیع سلیمان ساختیم که برای او ساختمان می کردند ، و یا جواهرات گرانبها را در دریا برایش بیرون می آوردند . و دسته ای دیگر از شیاطین را به دست سلیمان در غل و رنجیر کردیم. (۱)

(۲) در مورد حضرت موسی علیه السلام در قرآن مقدس چنین آمده است :

ای موسی، در دست راست تو چیست ؟ عرض کرد : این چوب دستی من است که بر آن تکیه می دهم، و گوسفندانم را با آن می رانم (برای آنها از درختان برگ می ریزم) و کارهای دیگری هم از آن برای من برمی آید. خدای تعالی فرمود : موسی! آن را بیفکن. موسی چوب دستی را انداخت، که ناگهان چوب دستی به صورت ماری در آمد که می جنبید.

پروردگار فرمود : ای موسی! هراس مکن و آن را بگیر، که ما آن را بزودی به صورت اول در خواهیم آورد. و ای موسی! دست خود را به پهلویت ببر، که بدون هیچ گونه ناراحتی، از دستت نور می تابد، که این آیت و نشانه دیگری است. (۲)

(۳) در مورد حضرت عیسی مسیح علیه السلام در قرآن

۱- سوره ص، آیه ۳۶ - ۳۸ .

۲- سوره طه، آیه ۱۷-۲۲ .

مطالبی را می‌یابیم :

و خدای سبحان، حضرت عیسی علیه السلام را به عنوان پیامبری برای بنی اسرائیل می‌فرستد که او به آنان بگوید : من نشانه ای از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام. من از گِل برای شما به شکل پرنده می‌سازم، و سپس در آن می‌دمم. آنگاه به اذن خدا، آن پرنده گلی به صورت پرنده جاندار واقعی در خواهد آمد. و کور مادرزاد و بیمار مبتلا به بَرَص (۱) را شفا می‌دهم، و مردگان را به اذن خدا زنده می‌کنم. و به شما خبر می‌دهم که در منازل خود، چه می‌خورید و چه ذخیره می‌کنید. در آنچه برای شما آوردم، نشانه ای است برای شما، اگر بخواهید ایمان بیاورید. (۲)

این آیات که به عنوان نمونه نقل گردید، بیانگر آن است که پروردگار سبحان، قدرت‌هایی را در اختیار برگزیدگان خویش می‌گذارد که آنان بتوانند در مواقع و مواردی که مصلحت الهی اقتضا کند، به اذن و اجازه حضرت باری تعالی، از آن قدرت‌ها بهره‌گیرند.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز برگزیده خداست. و امامی است که حضرت حقّ - جل و علا - جهت ارشاد و راهنمایی بندگان خویش انتخاب

۱- بَرَص، یک بیماری پوستی تقریباً غیرقابل درمان است که در فارسی به آن « پیسی » گویند.

۲- سوره آل عمران، آیه ۴۹ .

فرموده است. آن بزرگوار نیز گهگاه بنا بر مصلحت الهی، از این قدرت موهوبی پروردگار بهره می گیرد، که در کتابها موارد فراوانی از این دست خوارق عادات نقل گردیده است.

۸_س_خن_ب_گو

ابونصر مؤذن نیشابوری گوید :

گرفتار نوعی بیماری شده ب_ودم که به علت بیماری، زبانم سنگین و سخن گفتم دشوار شده بود. لذا به ذهنم رسید که به زیارت حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام بروم، و در نزد آن بزرگوار، خدای تعالی را بخوانم، و آن امام را شفیع نزد خدا قرار دهم، تا اینکه از این بیماری نجات یابم و بتوانم سخن بگویم.

لذا به سوی مشهد حرکت کردم، به زیارت مولایم حضرت رضا علیه السلام رفتم، بالای س_ر حضرت نشستم، دو رکعت نماز خواندم، و سپس به سجده رفتم. در حالت دعا و تضرع بودم و متوسل به صاحب قبر شدم که مرا از این بیماری نجات دهد. در حالت سج_ده، خواب مرا در ربود. در خواب دی_دم که قب_ر شکافته شد، و مردی ب_زرگوار از آن بیرون آمد. نزدیکم شد و فرمود: ای ابونصر! بگو: «لااله الاالله». به وی اشارت کردم که من چگونه می توانم سخن گویم، در حالی که زبانم بسته است؟ بر من بانگ زد: آیا قدرت خدا را انکار می کنی؟ بگو: لااله الاالله.

در این هنگام بود که زبانم باز شد، و گفتم: لااله الاالله. و

هرگز بعد از آن بسته نشد. (۱)

بنا به آیات فراوان قرآن کریم، مرگ به معنای فنا و نابودی نیست. و تمام انسان هایی که می میرند، به شکل دیگری در زندگی برزخی به حیات خود ادامه می دهند. بنابراین وجود مقدس حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز پس از مرگ زنده اند. و در نهایت نعمت و برکت به زندگی خود ادامه می دهند. و مسلماً همان قدرت ها و توانمندی هایی را که در زمان حیات دنیوی داشته اند، امروزه نیز دارند.

دلیل این مطلب، علاوه بر مستندات قرآنی و حدیثی صحیح، موارد فراوانی از خوارق عادات است که از این بزرگوار در زمان ما و زمان های نزدیک به زمان ما و زمان های گذشته بسیار دور، دیده اند و روایت کرده اند.

با مروری بر این وقایع صحیح _ که همه ما شاهد بوده ایم _ بار دیگر، ارزش و حقانیت کلام امام امیرالمؤمنین علیه السلام درباره اهل بیت علیهم السلام را می یابیم، که می فرماید:

ای مردم! این حقیقت را از خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله وسلم بیاموزید، که فرمود: « هر کس از ما (اهل بیت)

۱- بحارالانوار ج ۴۹، ص ۳۳۱ به نقل از عیون اخبارالرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸۳.

می‌میرد، در حقیقت نمرده است. و کسی و چیزی از ما کهنه نمی‌شود». پس آنچه نمی‌دانید، نگوئید، زیرا بسی‌اری از حقایق در ام‌وری است که ان‌کار می‌کنید. (۱)

کسانی که این‌گونه قدرت‌نمایی الهی را انکار می‌کنند _ فقط از آن جهت که بالاتر از قدرت محدود امثال ما است _ بار دیگر کلمات امام امیرالمؤمنین علیه السلام را مرور کنند، تا ببینند که: امام معصوم علیه السلام بعد از شهادت، به همان قدرت عمل می‌کند که در زمان حیات دنیایی عمل می‌کرد. مرگ، تنها جسم دنیایی را از آن بزرگوار می‌گیرد، نه قدرت‌های الهی را.

ما، که خود را از کمال قرب الهی محروم کرده ایم، دل به همین حیات محدود دنیا بسته ایم. از این رو، مرگ را پایان سیر کمالی انسان می‌بینیم. و بر اساس همین مبنای غلط، قدرت‌های خداداد ائمه اطهار علیهم السلام را نیز انکار می‌کنیم، در حالی که به فرموده امام امیرالمؤمنین علیه السلام، بیشتر مصادیق حق، در همان مواردی است که انکار می‌کنیم.

این است که امام رضا علیه السلام بر سر آن فرد بانگ می‌زند: « آیا قدرت خدا را انکار می‌کنی؟ »

باید باور کنیم و با تمام وجود بپذیریم، که: « إِنَّ اللَّهَ

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

خود را بیازمایید :

- ۱ _ لقب «رضا» را چه کسی برای امام هشتم علیه السلام برگزید ؟
- ۲ _ امام صادق علیه السلام ، در وصف امام رضا علیه السلام چه تعبیراتی به کار برده اند ؟
- ۳ _ قرآن درباره علم غیب پیامبران و امامان علیهم السلام چه می فرماید ؟ (دو آیه ذکر کنید).
- ۴ _ امام رضا علیه السلام در مورد شکر نعمت و اهمیت آن در زندگی انسان چه فرموده اند ؟
- ۵ _ امام رضا علیه السلام ، قبول ولایتعهدی مأمون را به کدام برنامه از پیامبران گذشته ، تشبیه فرمودند ؟

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

